

قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۵

# فقط لیست ده نفری در کنار صندوقها و اطراف حوزهها مشاهده می شود

● قلب در اکثر حوزههای رای گیری دیده می شود

انتخابات مجلس خبرگان در محیطی کاملاً غیر دموکراتیک و در فضایی سرشار از غرض ورزی، تنگ نظری و وجهه گیری، زیر نظر مأموران «حزب واحد» و با حاکمیت مطلق تبلیغات این حزب و اعمال نفوذ گردانندگان این باسلاح انتخابات برگزار شد. با این که نیروهای مترقی «دشو» کاره را از قبل پیش بینی می کردند و می دانستند که شکل چنین انتخاباتی نمی تواند از محتوای آن جدا بماند. **بقیه در صفحه ۷**



در روز رای گیری بر خلاف تمام اصول و موازین انتخاباتی پوسترها و اعلامیههای گروه ده نفری در تمام حوزههای انتخاباتی به چشم می خورد. مأموران رای گیری به مردم می گفتند باید به این ده نفر رای بدهند.

# سخنان کاندیدهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (که از رادیو و تلویزیون پخش شد)

سخنان حشمت الله رئیس - کاندید سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در انتخابات مجلس خبرگان از صلی جمهوری اسلامی ایران با درود فراوان به خلقهای قهرمان ایران! من در یک خانواده کارگری دنیا آمدم و از ۱۳ سالگی در شرکت نفت آغاچاری بکار مشغول شدم شرکت نفت در آرمغان، محصل مبارزترین و زحمتکشترین کارگران ایران بود. کارگران در جریان مبارزاتشان بمنزله دادند که طبقه کارگر هر چند بیشتر بیچاره، بیشتر بیپسند و در جریان مبارزه بمره کسب کتبه بیشتر به خلاقیت و توانایی خود و طبیعتش آشنا خواهد شد و بیشتر از سرمایه داران و

### سرمقاله

## مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای اسارت بار با امپریالیست ها را به نفع مملکت و مردم می داند

مهندس بازرگان رئیس دولت موقت که بدلیل الحاقی اسناد خیلی خیلی معرمانه در ابقاء قراردادهای نظامی با آمریکا، از جانب روزنامه کار، ایراد شده آنچنان ماهیت برنمی آید و اطلاعات او را نشان می دهد که حتی آنها را به نفع مملکت نمی داند. دولت موقت بر نند او در پیام خود نشان داد که دولت آنگونه که در استیجاریت و رفاه است که با ایجاد اعتراض می کند. در قراردادهای رژیم سابق با امپریالیست ها را ابقاء کرده است. آقای بازرگان گفت «این قراردادهای شامل انواع قراردادهای تسلیحاتی، خدماتی، نیروی دریایی و سفارت و آذوقه بوده که با از بین بردن فعالیت های اقتصادی و کشاورزی محتاج به آنها بودیم و اصولاً بسیاری از این قراردادهای ضد مملکت و خلاق بوده بلکه برای بالا بردن سطح فنی و اقتصادی و نظامی و دفاعی مملکت بوده است...» (نقل از اطلاعات پنجمین ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)

آقای بازرگان برای فریب توده های مردم بهزار توجیه و تفسیر متوسل می شود ثابت کند که گویا ابقاء قراردادهای رژیم سرنگون شده با امپریالیست ها نفع مردم مملکت است. اما مردم آگاه ما می دانند که این حرفها همانند استدلالهای رژیم گذشته است. بازرگان می خواهد حتی رژیم منور پهلوی را نیز تیره کند. قراردادهای اسارت باری را که این رژیم با امپریالیست ها منعقد ساخته است نفع مملکت و مردم جلوه دهد. گویا که رژیم مزدور سطح فنی و اقتصادی نظامی و دفاعی مملکت با امپریالیست ها منعقد کرده است!! این استدلال واقعاً مضحک و عوام فریبانه است. زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرمایه داران وابسته می توانند چنین استدلال کنند که قراردادهای رژیم سابق با امپریالیست ها نفع مملکت و اسارت و استثمار مبین ما بلکه به نفع بیشتر مملکت و خدمت مملکت است!! منعقد شده است. خلقهای مبارز ما خوب میدانند که قراردادهای مختلفی که رژیم در زمینه های اقتصادی **بقیه در صفحه ۷**

## نحوه برگزاری انتخابات «مجلس خبرگان» نیز کامی دیگر در جهت پایمال کردن حقوق دموکراتیک زحمتکشان و خلقهای ایران بود

کننده نظیر رئیس جمهور و شورای باسلاح نگیان حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را یکباره بچراغ گذارد. در یک کلام مضمون و محتوای انقلاب شد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ما را در نظر گرفته و گوئی که چنین اهدافی در متن جنبش و قیام وجود نداشته است. اما پیاده کردن این برنامه، یعنی سرهم بندی **بقیه در صفحه ۵**

ما طی مقالات جداگانه علل و انگیزه ای را که هیئت حاکمه در سرهم بندی کردن مجلس باسلاح خبرگان بهای مجلس موسسان برای تنظیم قانون اساسی داشت، توضیح دادیم. ما ثابت کردیم که انگیزه آنان ساختن و پرداختن یک قانون اساسی است که سیستم سرمایه داری را دست نخورده باقی گذارد. حقوق و آزادهای دموکراتیک مردم ایران را نادیده انگارد. و با ایجاد قدرتهای اجرائی و کنترل **بقیه در صفحه ۵**

## ۱۴ مرداد یادآور انقلاب مشروطه انقلابی که سرانجام سلسله خورد

۱۴ مرداد سال ۱۲۸۵ هجری شمس روز صدور فرمان مشروطیت بود. در حقیقت این روز، روز تظاهر سازش بین بورژوازی تجاری و فئودالیسم بود. روزی بود که مبارزه که از نظر اقتصادی قدرتی پیدا کرده بودند و می خواستند متناسب با آن بر دولت هم سبقت داشته باشند، موفق شدند و توانستند از نماینده فئودالها (مظفرالدین شاه) مهر تأیید بگیرند. در انقلاب مشروطه چه کسانی شرکت کردند؟ مبارزه را تودما کردند. آنها بودند که بیت نشسته، آنها بودند که گرسنگی و سختی محاسره و جنگ را تحمل کردند. آنها بودند که بهنگام تپش بستن مجلس در زمان محمد علی شاه بخاطر پرداختن و کتبه دادند، آنها بودند که در تبریز برهبری انجمن غیبی و **بقیه در صفحه ۵**

## چرا نظامیان آزادیخواه کرمانشاه دستگیر و زندانی شدند

ما چشم می بینیم که نه تنها دولت، دولتی انقلابی نیست بلکه دولتی است سرکوبگر که در مقابل دیوانسالاری بیجا مانده از رژیم پهلوی مات و میوهت مانده و خود را رو در روی کارگران و دهقانان و زحمتکشان قرار داده که رطاف خود را از زیر ستم استثمار و استثمار به هم ریختن آن دستگاهها و دیوانسالاری و روابط و شواطئ حاکم بر آنها می بینند. ارتش بیجا مانده از رژیم سابق شده **بقیه در صفحه ۶**

بعد از قیام پرشکوه ۲۲ بهمن که حدود ۱۶۵ هزار فرزند دلیر خلق قهرمان مسبار پشترانه آن بود تودماهای تحت ستم و اقتدار زحمتکش خلق انتظار داشتند که دولت موقت انقلابی آنچنان روشی در پیش گیرد که طومار سرمایه داران وابسته، طبقات چارحاکم بر جامه و امپریالیسم ددمنش حامی آنها در خم بریزد و خلق با خواسته بر سرنوشت خود حاکمیت یابد. اما اینک پس از گذشت ۵ ماه از آن قیام قهرمانانه، تودماهای مبارز میهن **بقیه در صفحه ۶**

## سیاست دولت در میروان

این گزارش قسمتی از جزوه تحت عنوان فوق می باشد که توسط دفتر هواداران سازمان در سنجج منتشر شده است. بدنبال درگیری روز ۵۸۶۲۳۳ بین مردم میروان و پاسداران، مردم برای جلوگیری از هرگونه حادثه ای بزرگتر شهر را تخلیه کردند. تخلیه شهر دقیقاً در اطلاعیه منتشره از جانب شورای موقت انقلاب شهر میروان منعکس شد. بیش از ۹۵ درصد از مردم میروان شهر راترک کرده در شهرستانها یا محلات اطراف و عدای نیز حدود ۵۰۰۰ نفر در ۱۵ کیلومتری میروان در خانه باشناق منتظر شدند. آوارگان اغلب بیسارند، کمبود دکتر بلشت احساس میشود. در این مدت کمکهای دارویی و غذایی از شهرستانها توسط نیروهای مترقی و نمایندگان مردم بمریوان فرستاده شده است ولی تاکنون نه تنها دولت هیچگونه اقدامی در جهت حل **بقیه در صفحه ۶**

## فعالیت های خستگی ناپذیر و صادقانه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیروبخش همه انقلابیون راستین است

اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روزهای پیش از انتخابات و در جریان توضیح نظرات سازمان و بخش اعلامیهها و تراکت های سازمان، با برخورداری و هشیاری و با متانت و بردباری انقلابی، رشد سیاسی خویش را به اثبات رسانند و نشان دادند که پیشاهنگان راستین خلقهای قهرمان ایران اند. حملات گروههای انحصارطلب بر فضای ما و پاره کردن اعلامیهها و تراکت های سازمان در روزهای پیش از انتخابات، اعضا و هواداران سازمان را در توضیح نظرات سازمان برای همبندان و بخش و توزیع و نصب اعلامیهها و تراکت های سازمان مصمم تر ساخت. ما ضمن ستایش از این همه فعالیت خستگی ناپذیر و صادقانه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که خودنیروبخش همه انقلابیون راستین است، از رفقا و دوستانی که در این چند روز فعالیت داشتند می خواهیم که تعارف خود را جمع بندی کرده و برای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ارسال دلائند.

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران  
مختار زبیر  
شماره ۳/۱۳۵۸  
تاریخ شماره ۱۳۵۸/۴/۱۲

تیمسار سرتیپ تقی ریاحی  
وزیر دفاع ملی ایران

دفعه - ابناء قراردادهای پشتیبانی آمریکا

مقاله، بنامه شماره ۳۰۳/۱۴۰۱/۰۱/۹۸/۱۷  
۱۳۵۸/۴/۱۲ اشار میدارد.

۱- با ابناء قراردادهای مندرج در پیوست دو به شرح پیشنهادی موافقت حاصل است.

۲- در مورد قراردادهای مندرج در پیوست یک، موضوع نحت بررسی و تصمیم متخذه متناهی اعلام خواهد شد.

مختار زبیر  
مهدی بازرگان

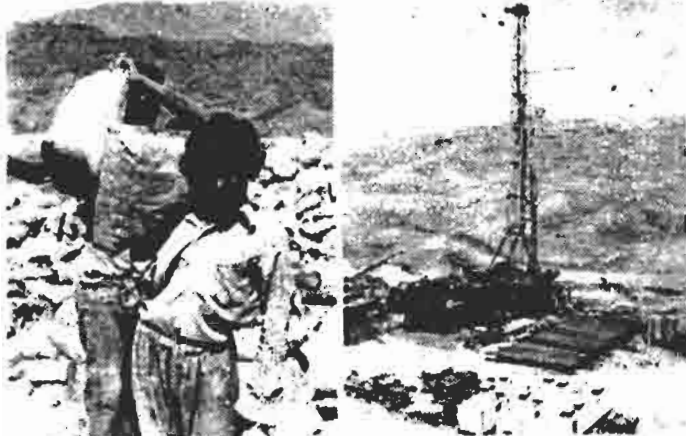
# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر





### نامه يك کارگر اخراجی:

«دولت باید بداند که نمیتواند جلوی حرکت تاریخی کارگران را بگیرد»



کارگران شرکت‌های حفاری:

بنامه يك کارگر است که مانند صدها هزار کارگر دیگر بر اثر بیکاری گرفتار فقر و تنگدستی است. در حالیکه دولت میلیاردها ریال به سرمایه‌داران کمک می‌کند و قراردادهای خرید اسلحه از آمریکا را ابقا می‌کند، کمترین توجهی به توده‌های میهن‌مانی‌شود و هنوز تعدادی از کارگران در بیکاری بسر می‌برند.  
من بعنوان يك کارگر این نامه را برای شما می‌نویسم:  
نمی‌دانم از کجا شروع کنم مدت سه ماه است که از کار اخراج شده‌ام در طول این مدت رنجها و دردها کشیدم درست است که آدم باید در برابر هر سختی مبارزه کند ولی...

نمی‌دانم چکار کنم از بیکاری واقعا سخت وقتی که از دردهای عسوم صحبت می‌کنم. بمن حمله می‌کنند که چرا دم از مشکلات کارگری می‌زنی، شما نفاق‌افکن هستید و هزاران تهمت ناروای دیگر می‌زنند. من خوب میدانم آنهایی که فلا خودشان را انقلابی جا زده‌اند و مارا ضد انقلاب می‌دانند چه کسانی هستند اینها اغلب همان‌کسان هستند که در رادیو تلویزیون سخنانی می‌کنند و بعد از گفتن چند جملک مثل علی‌بابای زمان شاه و بعد شروع می‌کنند و مسائل کارگری می‌گویند که هرکس شورا یا سندیکا تشکیل دهد ضد انقلاب است و یا می‌گویند مگر دولت...

### خواستار مصادره کامل دکلها و تأسیسات حفاری شرکت‌های خارجی هستند

از خروج دکل‌های حفاری که با پول و عرق ما خریداری شده است جلوگیری کنیم

بعد از انقلاب حکومتداری‌های ایران، شرکت‌های امپریالیستی چون منابع خود را در خطر دیدند بعد از سال‌ها غارت ثروت‌های ایران با شتاب طبق يك برنامه حساب شده با همکاری عناصر مرتجع داخلی که ماهیتشان برهه روغن است، درحال خارج کردن اسلحه خود از کشور هستند که به احتمال زیاد تاکنون چند دکل حفاری با تمام تجهیزات از کشور خارج شده این شرکت‌ها با کارگران محروم و زحمتکش مانند بردگان اجیر شده رفتار می‌کردند و حال هم با وجود ملی شدن صنایع وابسته و استعاری (البته در حرف) بهر شکلی که به نفع آنهاست، کارگران را اخراج و سرگردان می‌کنند و شرکت ملی و دولتی به اصطلاح انقلابی هم هیچ مسئولیتی در قبال آنها که قبول نمی‌کند هیچ تازه از صاحبان این صنایع امپریالیستی حمایت هم نمی‌کنند. وقت این کارگران برای اخراج حق عسود اجتماع می‌کنند با سرلیزه پاسداران مغرور می‌نویسند حال این کارگران درین شرایط سخت که مملکت دچار رکود اقتصادی و تورم می‌باشد چه کار باید بکنند معلوم نیست! برهه واضح است که این شرکت‌های چپاولگر چند برابر قیمت دکل‌های خود ثروت ابرازین مملکت خارج کرده‌اند و با کمک رژیم سابق تا آنها که توانسته‌اند خون‌زحمتشان را میکشاند و استثمارشان کرده‌اند شاهد این گناهکارگانی هستند که در زیر طاقت...

### نامه يك کارگر کشتیاف:

دمیخواهند از مذهب بعنوان سپرپوش بر روی استثمار و دزدیهای خود استفاده کنند

باسلام بهموظفان عزیز و بهامید روزی که بتوانیم امپریالیسم و سوسیالیزم آن را از سخته‌گی بی‌بالبدان تاریخ انداخته و غلغله‌های ستمکشی را از چنگال ستمگران زالوسنت رها کنیم و زندگی نوینی را در شرایط مساوات و برابری برقرار نماییم.  
من کارگر کشتیاف یکی از کارگاه‌های کشتیاف خیابان ظهیرالاسلام هستم. چند ماه پیش اتفاق در اطراف کارگاهمان افتاد که تیرف آن برای کارگران و مهمانان دیگر بیفایده نخواهد بود و نیز گوسه‌ای از ستکرایهای سرمایه‌داری را که بر کارگران می‌روند نشان خواهد داد.  
يك روز که مشغول کار بودم متوجه سرو صدایی از بیرون کارگاه شدم. در بیرون کارگاه زنی که کارگر کارخانه توسکا بود فریاد می‌زد و کمک میخواست و فریاد می‌زد «بجانت بدمید بیچاره را کشته‌اند من و چند تن دیگر خود را به بیرون کارگاه توسکا رساندیم سخته خیلی ناراحت‌کننده‌ای را مشاهده کردیم صاحبان کارگاه حسین وطنی و روح‌الله تهرانی یکی از کارگرهای بافنده خود را به زیر شفت و لگد انداخته و می‌زنند. ما کارگر را از چنگ آنها بیرون آوردیم و با خود از کارگاه بیرون بردیم. از کارگر پرسیدیم که برای چه دعوا کردی او که سرسورتن ورم کرده بود. با چشمانی که اشک در آنها حلقه زده بود گفت: برای اینکه زور می‌گویند من کارگر کارمزم یعنی به تعداد کاری که تولید میکنم مزد میگیرم. بعد از شش‌هفت ماه بیکاری تازه دو هفته است که مشغول کار شدم امروز يك وانت مواد پنج آوردم و بمن گفتند برو کارتن مواد را ببار بالا. من در جواب گفتم من کارگر کارمزم و اگر بروم کارم می‌ماند. آنها هم ناراحت شدند و ریختند سرم و کتک زدند. بعد از گفتن این حرفها سرش را پائین انداخت و رفت. تا اینکه چندی پیش او را در ایستگاه اتوبوس دیدم. پرسیدم چیکار کردی گفت از کارگاه بیرون کردند. و گفتم میخواستی شکایت کنی. گفت کی به کارمزم و اگر بروم کارم می‌ماند. آنها گفتم برو دوماه دیگر بیا. نمی‌دونم پاره‌ی بازی کردند یا رشود دادند؟ بعد فهمیدم احتیاج به رشود دادن و پاره‌ی بازی نیست. کشته‌ها و دولت از آنها دفاع میکنند. خلاصه دوماه بعد رفتن و بجای رسیدگی میخواستند محکوم بکنند و دوباره گفتند برو دوماه دیگر بیا.

### نامه‌ای از بندر دیلم: گذشت پنج ماه از قیام، اکثر دهقانان از داشتن زمین محرومند

باجات مکرر به کمیته ما گفته‌اند که هنوز موقع این کارها نیست. در دیلم نیز کسه شهری است با تقریباً دوازده تا سیزده هزار نفر جمعیت. مردم آن از اسلاطت و ازبوق سرورند و آب آن نیز پنج روزی یکمرتبه آنها برای چند ساعت باز میشود. شاخودتان را جای آنها قرار دهید چطور میتوان در چنین آب و هوایی آنها در تابستان و با وجودی که شاید ۳۵ درصد مردم آن از این حق هم محرومند چطور میتوان سیرانقلابی داشت و دم برنیارود، و بسیاری خواستهای دیگر...

باجات مکرر به کمیته ما گفته‌اند که هنوز موقع این کارها نیست. در دیلم نیز کسه شهری است با تقریباً دوازده تا سیزده هزار نفر جمعیت. مردم آن از اسلاطت و ازبوق سرورند و آب آن نیز پنج روزی یکمرتبه آنها برای چند ساعت باز میشود. شاخودتان را جای آنها قرار دهید چطور میتوان در چنین آب و هوایی آنها در تابستان و با وجودی که شاید ۳۵ درصد مردم آن از این حق هم محرومند چطور میتوان سیرانقلابی داشت و دم برنیارود، و بسیاری خواستهای دیگر...  
باید پیروزیمان

### جواب به نامه‌ها

رفیق نامه‌ای برایشان نوشته و از ما خواست که نامه‌اش را بنا بدلالی چاپ کنیم او نامه‌اش را با عبارت «به نام دستان پینه بسته کارگر و پیشانی چروکیده دهقان که هر دو نشان رنج است» آغاز کرده از مشکلات و مسائل خود و خانواده‌اش سخن گفته است که البته همه مسائلی که او بازگو کرده تنها مسائل و مشکلات شخصی او نیست بلکه بیان زندگی واقعی میلیونها دختر نظیر او در نظام طبقاتی کنونی است.  
دختران و زنان زحمتکش میهن‌مان لهتها مانند سایر برادرانشان تحت ستم و استثمار هستند بلکه تحت ستم بیشتری به خاطر زن بودنشان نیز می‌باشند. زنان از حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برابر با مردان برخوردار نیستند. و همواره تحقیر می‌شوند. پدر رفیقی که نامه نوشته است نمیگذارد او کتاب مطالعه کند و باو میگوید «چون تو نان خور من هستی باید عقاید من را داشته باشی» که نشانه تحقیر فکری پدر او می‌باشد اگر قرار بود همه فرزندان مانند پدرانشان فکر کنند آتوقتی جامعه از پیشرفت و تکامل باز می‌ماند.  
البته رفیق نویسنده نامه بدستی این مطلب را دریافته است که نباید تنها بنگر خودش باشد و فقط خود را از مشکلات برهاند بلکه باید همه جامعه از قید محال و بدبختی‌ها و ستم و استثمار رها شود تا او نیز مشکلات حل گردد. و به این نتیجه رسیده است که: «میدانم شما نمی‌توانید بمن یک نفر کمک کنید تنها وقتی این ممکن می‌شود که ما به جامعه سوسیالیستی و پس از آن به جامعه کمونیستی برسیم و من دلم میخواهد در راه این هدف مبارزه کنم و آری میخواهم مبارزه کنم»  
سازمان گسترش سراسری شوراهای کارخانجات سازمان گسترش

### نامه يك کارگر کوره‌پزخانه:

برای سرکوب کارگران اعتصابی آنها را به جرم اخلاک‌گری بازداشت می‌کنند

رفقای کارگر اگر ما کمی به اطراف بنگریم می‌بینیم که چگونه عوامل وابسته به کارفرما و خود کارفرمایان ما را استثمار می‌کنند. یعنی روزی ۱۲ ساعت کار را با تمام محمول کرده مارا از وسایل بهداشتی - مسکن - پوشاک - خوراک و غیره محروم کردند با وجود این ناراحتی باز ما میخواهیم برای مدت بیشتری در دست آنها اسیر باشیم و برای آنها جان خود را از دست بدهیم. اما آنها میخواهند که یکبارچه مارا استثمار کنند. من بهرمان چند نفر از رفقای کارگر در حدود ۴ روز است که دست از کار کشیدیم و علت اینکار همین نکردن دستزد ما از طرف کارفرما بود. و ما چندین بار به کارفرما گفته‌ایم که باید دستزد مارا تعیین کنند ولی کارفرما هنوز جواب قاطعی نداده است. به همین علت ما در تبریز به کمیته امام و اداره کار و امور اجتماعی مراجعه کردیم ولی آنها هم بما جواب ندادند و گفتند که شما کارگران باید زیاد کار کنید و در پایان سال که میزان کار شما معلوم شد دستزد شما دانه خواهد شد. ولی ما در جواب گفتم که ما کارگران کوره‌پزخانه‌ها روزی ۱۲ ساعت کار می‌کنیم و باید حق ما تعیین شود. ما این همه کار می‌کنیم و زحمت می‌کنیم چرا باید در پایان سال دستزد ما را بدهند. او گفت اگر شما روزی ۲ و یا ۲۴ ساعت کار بکنید در حال شما زیاد اثر نمی‌کند و موثر واقع نمیشود و اگر در روز يك ساعت هم بکنید به اندازه همان يك ساعت پول میگیرید. من...

### نامیخواهند از مذهب بعنوان سپرپوش بر روی استثمار و دزدیهای خود استفاده کنند

باسلام بهموظفان عزیز و بهامید روزی که بتوانیم امپریالیسم و سوسیالیزم آن را از سخته‌گی بی‌بالبدان تاریخ انداخته و غلغله‌های ستمکشی را از چنگال ستمگران زالوسنت رها کنیم و زندگی نوینی را در شرایط مساوات و برابری برقرار نماییم.  
من کارگر کشتیاف یکی از کارگاه‌های کشتیاف خیابان ظهیرالاسلام هستم. چند ماه پیش اتفاق در اطراف کارگاهمان افتاد که تیرف آن برای کارگران و مهمانان دیگر بیفایده نخواهد بود و نیز گوسه‌ای از ستکرایهای سرمایه‌داری را که بر کارگران می‌روند نشان خواهد داد.  
يك روز که مشغول کار بودم متوجه سرو صدایی از بیرون کارگاه شدم. در بیرون کارگاه زنی که کارگر کارخانه توسکا بود فریاد می‌زد و کمک میخواست و فریاد می‌زد «بجانت بدمید بیچاره را کشته‌اند من و چند تن دیگر خود را به بیرون کارگاه توسکا رساندیم سخته خیلی ناراحت‌کننده‌ای را مشاهده کردیم صاحبان کارگاه حسین وطنی و روح‌الله تهرانی یکی از کارگرهای بافنده خود را به زیر شفت و لگد انداخته و می‌زنند. ما کارگر را از چنگ آنها بیرون آوردیم و با خود از کارگاه بیرون بردیم. از کارگر پرسیدیم که برای چه دعوا کردی او که سرسورتن ورم کرده بود. با چشمانی که اشک در آنها حلقه زده بود گفت: برای اینکه زور می‌گویند من کارگر کارمزم یعنی به تعداد کاری که تولید میکنم مزد میگیرم. بعد از شش‌هفت ماه بیکاری تازه دو هفته است که مشغول کار شدم امروز يك وانت مواد پنج آوردم و بمن گفتند برو کارتن مواد را ببار بالا. من در جواب گفتم من کارگر کارمزم و اگر بروم کارم می‌ماند. آنها هم ناراحت شدند و ریختند سرم و کتک زدند. بعد از گفتن این حرفها سرش را پائین انداخت و رفت. تا اینکه چندی پیش او را در ایستگاه اتوبوس دیدم. پرسیدم چیکار کردی گفت از کارگاه بیرون کردند. و گفتم میخواستی شکایت کنی. گفت کی به کارمزم و اگر بروم کارم می‌ماند. آنها گفتم برو دوماه دیگر بیا. نمی‌دونم پاره‌ی بازی کردند یا رشود دادند؟ بعد فهمیدم احتیاج به رشود دادن و پاره‌ی بازی نیست. کشته‌ها و دولت از آنها دفاع میکنند. خلاصه دوماه بعد رفتن و بجای رسیدگی میخواستند محکوم بکنند و دوباره گفتند برو دوماه دیگر بیا.  
از او پرسیدم کار پیدا کردی گفت: کار گیر نمی‌آید. باز پرسیدم زن و بچه‌داری گفت: بله زن و بچه دارم در همین وقت اتوبوس رسید و او در حالیکه طرف اتوبوس میرفت گفت: این کمونیستها راست می‌گویند. پرسیدم چرا؟ او گفت: آخر میدونی کسانی مثل وطنی و تهرانی از مذهب سوءاستفاده میکنند و میخواهند مذهب را بعنوان سپرپوش بر روی استثمار و دزدیهای خود استفاده کنند. و بعد از گفتن این حرف سوار اتوبوس شد و رفت.

### کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء دیگر



### نقد و بررسی گزارشی از اعتصاب...

واکنشی نشان نمی‌دهند. کارگران که با بسی احتیاجی مسئولین روبرو شده‌اند در جلوی در ورودی حرکت به ننگه‌بانی می‌نمایند و از ورود و خروج کامیونها جهت پارکبندی جلوگیری می‌کنند. نماینده استاندار خوزستان و فرماندار خرمشهر ضمن تأیید اعتصابات با آنها قول رسیدگی می‌دهند. روحانیون محلی در ملاقات با کارگران به آنها در مورد نفوذ اجانب هشدار می‌دهند. دولت برای تسریع کارگران معترض را شرکت را عوض می‌کند. مدیر عامل جدید خود را معاهد و انقلابی می‌زند. ولی کارگران او را افشا می‌کنند. مرتجعین محلی و عوامل پیمانکار دست به تبلیغات وسیعی بر علیه کارگران می‌زنند و طعنه‌ها را علیه اعتصاب کارگران از جانب مقامات مسئول، رادیو، تلویزیون، پخش اخبار دروغین و تحریک‌آمیز بر علیه کارگران دست می‌زنند. تاجر و بازرگانان برای حفظ منافع خود کارگر روزمزد استخدام می‌کنند و توسط آنها پارکبندی و تخلیه کالا را شروع می‌کنند. در طول اعتصاب، کارکنان پیشگاه خرمشهر، کارگران پروژه‌های آبادان و کارگران و کارمندان ادارای عمومی خرمشهر ضمن تأیید اعتصاب کارگران اعلام همبستگی می‌کنند.

در این روزها مخالفت دولت با حسن خودمختاری خلفا و توطئه سازمان یافته مرتجعین محلی و حال امپریالیسم وضع خرمشهر را پشیمانی می‌کند. بدینجهت کارگران که دواها اعلام راهپیمایی کرده بودند، سر بار پهلوی وضع ناآرام شهر و امکان سوء استفاده از این عمل در جهت وارونه‌چلوه دادن حقایق، از تصمیم خود منصرف می‌شوند. در حالیکه در شهر عناصر مرتجع ازمسئله عرب و صیغ برای منصرف کردن مبارزان زحمتکشان استفاده می‌کنند کارگران متحمس با بی‌بردی به حمایت نفاق‌افکنانه اینگونه تبلیغات می‌گویند: «عرب و صیغ هیچ فرقی ندارند. یک روز در نطقه، ترک و کرد را بجان هم می‌اندازند و مردم را به کشتار می‌کشند و اداری می‌کنند. امروز مسئله عرب و صیغ را در خرمشهر علم کرده‌اند. اینجا همان کمانی هستند که می‌ترسند منابع رزقشان را از دست بدهند ما را می‌خواهند بجان هم بیاندازند. خیلی باید هشدار باشیم. ما همه با هم برادرم. با همان چوبی عرب را می‌رانند که صیغ را. عرب و صیغ هر دو یک صورت و خیلی وحشانه اشتراک می‌کنند پس باید دست در دست هم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه دهیم».

بعد از ظهر روز بیست و سوم دوگنجهان در ورودی شرکت به قتل می‌رسند. با کشته شدن نگهبانان، درگیری شروع می‌شود در این زمان کارگران اجباراً ضمن را شکسته و شرکت را ترک می‌کنند. بعد از گذشت ۳۶ روز از شروع اعتصاب، کارگران به عادی شدن اوضاع شهر و بازگشت کارگران به عمل کار خودنمایندگان کارگران در مذاکره با فرماندار به توافق رسیده‌اند که کارگران با حفظ خواسته‌های خود بر سر کار برگردند. گزارش حاوی مطالبی درباره «بررسی عمل بازگشت بکار»، «نظری به اعتصاب» نیز هست. ولی از آن جا که قصد بررسی و نقد حرکت کارگران است از فکر آن مطالب خودداری می‌کنیم و بسند و بررسی آن می‌پردازیم:

الف: در قسمتی از گزارش که ما بر آن تأکید کرده‌ایم این عبارات نوشته شده است: «از آنجا که در شرکت ایران ترمینال تولید و توزیع و فروش بهیچوجه مطرح نیست... و از آنجا که ارتباط پیوسته بین کارگران این شرکت بخاطر ویژگی کار پراکنده آنها، نبود، شورا نمی‌توانست پاسخگوی مشکلات کارگران در سطح وسیع باشد.» درین عبارات دو دلیل برای رد شورا ذکر شده است که مردود غلط است.

۱ - تولیدی نبودن شرکت: اولاً: شوراها بهیچوجه مخصوص واحد های تولیدی نیست. ثانیاً: میدانیم که مشکل عمده اکثر کارخانجات تولیدی (مثلاً کارخانه الیاف) اولاً: تهیه مواد اولیه کارخانه است (که اکثر هم از خارج وارد می‌شود) و ثانیاً:

در شماره قبل نشریه کار سنی در مورد شرکت رینگ اندینس آورده شده بود که این سند اشتباه چاپ شده بود. در واقع سنی که به عنوان حقوق ماهانه کارکنان

## نحوه برگزاری انتخابات مجلس «خبرگان» نیز کامی دیگر در جهت پایمال کردن حقوق دمکراتیک...

۲ - دومین جنبه ضد دمکراتیک نحوه انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی استانی کردن حوزه‌های انتخاباتی بود. با این ترتیب استانی مثل تهران را با ۵ میلیون نفر جمعیت یک حوزه فرض کردند و برای آن دنمایندہ قرار دادند و با استان ۲۵۵ میلیون نفری مازندران را یک حوزه در نظر گرفتند و برای آن ۵ نماینده تعیین کردند. به این ترتیب حقوق مردم محلی و خلقی را بشدت پایمال کرده و امکان نمایندگی آنها را از بین بردند. فعلاً همین استان مازندران را در نظر بگیریم. این استان مطابق تقسیم‌بندی کشوری شامل منطقه خلقی ترکمن صحرا نیز می‌شود که از نظر خصوصیات ملی و قومی کاملاً با سایر ساکنین مازندران تفاوت دارند. پرواضح است که خلق ترکمن خواستار آن بود که نمایندگان خود را به مجلس بررسی قانون اساسی بفرستند و این خلق را به مجلس بفرستند. اما با این ترتیب که داده شد و خلق ۸۰۰ هزار نفری ترکمن جزو استان مازندران با ۲۵۵ میلیون جمعیت به حساب آمد علاوه جلو راه یافتن نمایندگان خلق ترکمن را به مجلس خبرگان گرفتند. در حالیکه اگر منطقه ترکمن صحرا یک حوزه محسوب می‌شد و با انتخابات بر اساس شهرستانها بود، و خلق ترکمن بطور طبیعی می‌توانست خود را به مجلس بفرستد.

قابل تذکر است که این تقسیم کشوری در زمان رژیم پهلوی صورت گرفته و دقیقاً عدی بوده و با هدف از بین بردن هویت خلقهای تحت ستم ایران انجام گرفته در موردکردستان هم عین این سیاست را اصال کردند، حال دولتی که مدعی است معیارهایش با رژیم گذشته تفاوت دارد همان شیوه گذشته را در پایمال کردن حقوق خلقهای ایران به کار برد و به کار می‌برد. مردم بدرستی ماهیت دولتها را از عملکردهای آنان استنباط می‌کنند و وقتی می‌بینند عملکرد هیئت حاکمه کنونی هم چیزی جز سیاست پایمال کردن حقوق خلفا و طبقات و افتخار زحمتکش نیست. بنابراین حق دارند تفاوت کنند که ماهیت این دولت هم تغییر چندانی نکرده است. همان سیاست دوز و کلاک، توسل به شیوه‌های غیردمکراتیک و سرکردگی کثیفه اشلال دارد.

۳ - سومین اشکال لایحه انتخابات مقررات مربوط به تشکیل هیئت نظارت بر انتخابات و نحوه عملکرد آن بود. این مقررات طوری

کردن چنین قانون اساسی، مستلزم آن بود که از شرکت مردم در تنظیم قانون اساسی جلوگیری بعمل آید. ابتدا ضرورت تشکیل مجلس موسسان را به بهانه‌های مختلف نظیر طولانی شدن مدت بررسی ویژه نفی کردند.

سپس صحبت از یک هیئت مشورتی بهمان آوردند و دست آخر وقتی با مخالفت‌های شدید مردم روبرو شدند تا اندازه‌ای عقب‌نشینی کرده و به تشکیل مجلس باصلاح خبرگان با ۳ نماینده موافقت کردند. و اینبار برای آنکه همان نظر ابتدائی خود را، بشکل دیگری عملی کنند از در دیگری وارد شده بهادمان لایحه انتخابات «مجلس خبرگان» شدند تا این ترتیب همان مجلس مشورتی را با محدودی از افراد مورد اعتماد هیئت حاکمه تشکیل دهند. ما در زیر بطور خلاصه به مواردی اشاره می‌کنیم که نمایانگر کوشش ضد دمکراتیک هیئت حاکمه کنونی در تشکیل مجلس است که در آن جانی برای نمایندگان واقعی مردم وجود ندارد:

۱ - اولین جنبه ضد دمکراتیک لایحه انتخابات مجلس باصلاح خبرگان تصدات نمایندگان این مجلس است.

هیئت حاکمه تصدات باصلاح نمایندگان این مجلس را ۳۳ نفر تعیین کردند (الله در قانون تصدات آنرا ۷۵ نفر نوشته ولی وقتی نمایندگان هر حوزه انتخابیه را تعیین کردند جمعا به ۳۳ نفر کاهش یافت) در حالیکه تصدات نمایندگان مجلس شورای ملی که قوانین عادی را تصویب می‌کند ۲۷۵ نفر است. و مجلس تنظیم و تصویب کننده قانون اساسی مادرتام قوانین است باید نمایندگان برابری بیشتر می‌داشت. علت آنهم اینست که نمایندگان اقتدار وسیع‌تری از مردم در تعیین سرنوشت خود یعنی تنظیم قانون اساسی می‌توانست شرکت کنند. حتی در رژیم سابق هم مقرر شده بود که برای تعیین قانون اساسی یا تغییر آن تصدات نمایندگان مجلس موسسان باید پاندها مجموع نمایندگان مجلس شورای و مجلس سنا باشد. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که باید بازاره هر ۵۰ هزار نفر یک نفر نماینده به مجلس تنظیم کننده قانون اساسی برود و در اینصورت تصدات نمایندگان بیش از ۷۰۰ نفر می‌شد. اما هیئت حاکمه تصدات نمایندگان مجلس تنظیم کننده قانون اساسی را به یکدهم آنچه باید باشد تقلیل داد. یعنی بازاره هر نیم میلیون نفر یک نماینده!!

## ۱۴ مرداد یاد آور انقلاب مشروطه بقیه از صفحه ۱

سرداری ستارخان، مقاومت کردند، کشته‌دادند و بالاخره جنبش را از تبریز براساس ایران سرایت دادند و آنها بودند که برترید و دو ملی سیهبد اعظم تکتانی فاتح آمدند و اورا اداری کردند که بدینا آنها در فتح تهران شرکت کند و بالاخره آنها بودند که در جنگ با محمد علی شاه تا آخرین قطره خون خود جنگیدند، اما نمره آن را ثوردا لهما و سرمایه داران بردند. آنها با سازش با یکدیگر و نیز با امپراطورهای روس وانگلیس دواها قدرت را در دست گرفتند و برتوهمها تاخندند.

حقیقت آنستکه بورژوازی تجاری با تکیه بر مبارزات توهمه و قرار گرفتن در رأس آنها توانست مبارزه را بنزایان توهمه تمام کند. اما این توهمه‌های مبارز کدام اقتدار و طبقات بودند؟ بیارت دیگر صف بندی نیروها در آستانه مبارزات ضد استعماری و ضد فئودالی آن زمان چگونه بود است؟

باید گفت که در صف خلق، تجار، خرده تولید کنندگان (پیشه‌وران، اساتذ، بازاریان وکبه) و روشنفکران، دهقانان و کارگران قرارداشتند. بزرگترین نیروی انقلابی دهقانان بودند که در جریان انقلاب با آنکه شدیداً مورد ستم واستثمار بودند، هنوز بهرکت دریا میله بودند. کارگران نیز بملت ضعف کمی و کیفی و سطح پایین آگاهی و تشکل توانستند رهبری انقلاب را بدست بگیرند. و در نتیجه درس صف، رهبری انقلاب در دست تجار و روشنفکران وابسته به آنان قرار گرفت.

در صف ضد خلق، فئودالها و کارگزاران و سربرندگان امپراطورهای روس و انگلیس قرار داشتند. بین این امپراطورها بر سر تقسیم ایران و منابع خام و با ارزش آن درگیری‌هایی وجود داشت که در عمل مورد استفاده خلق قرار گرفت.

حال بیستم چنین صف بندی نیروهای خلق در مقابل ضد خلق چه هدفهایی داشته است: رفیق بیژن جزبی در پایان نامه تحمیلی‌اش بنام «نیروها و هدفهای انقلاب مشروطیت» که در سال ۱۳۲۱ نوشت این‌خواستها و هدفها را چنین جمع‌بندی کرده است:

«هدفهای سیاسی انقلاب مشروطیت» این هدفها عبارت بودند از: استقلال ملی یعنی سامت از دخالت بیگانگان در امر حکومت ایران، ایجاد حکومت دمکراتیک بوسیله ایجاد مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و محدود ساختن اختیارات شاه. تحقق آزادیهای فردی و از جمله آزادی بیان و قلم و ایجاد امنیت فردی، قانونی کردن ادارات بخصوص عدلیه و رفع شکنجه و عذاب توسط زندانبانان» (صفحه ۳۱۵)

«هدفهای اقتصادی انقلاب ایران» عبارت بودند از:

- ۱- قطع نفوذ اقتصادی و اداری بیگانگان
- ۲- ایجاد تسهیلات تجاری بفتح بازرگانان داخلی
- ۳- ایجاد صنایع جدید
- ۴- محدودیت اقتصادی برای ثوردا لهما و اشراف» (ص ۳۲۲)

«هدف اجتماعی اساسی انقلاب دگرگونی جامعه کهن بود که با وجود اقدامات اصلاحی در طی یک قرن قبل از انقلاب کم و بیش بهمان سان باقی‌مانده بود.» (ص ۳۳۵)

اما آیا انقلاب دمکراتیک مشروطیت به هدفهای خود رسید؟ رفیق جزبی در همان رساله چنین می‌نویسد: «انقلاب ایران به‌مدفهای اساسی خود نرسید. نتیجه آنکه انقلاب مشروطیت موفق به تغییرات

# زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

